روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۲۰۷۵- پنج خط
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۲۲۶ | سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳ | ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۳:۰۳ |
غروب آفتاب: ۱۹:۵۳ | اذان مغرب: ۲۰:۰۲ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۷ | اذان صبح فردا: ۰۴:۵۱ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۲ |


**ارتباط با ولایت**

**آیا خرید تولیدات شرکت‌های یهودی یا امریکایی یا کانادایی با وجود این احتمال که شرکت‌های مزبور به تقویت دولت اسرائیل می‌پردازند، جایز است؟**

ج: اگر خرید و فروش این تولیدات موجب تقویت دولت حقیر و غاصب اسرائیل شده یا در راه دشمنی با اسلام و مسلمین به کار می‌روند، خرید و فروش آنها برای هیچ‌کس جایز نیست و الا اشکال ندارد.

## شهاب حسینی به دیدار جانبازان آسایشگاه ثارالله رفت

**شهاب حسینی بازیگر سینما و تلویزیون، روز گذشته با حضور در آسایشگاه جانبازان ثارالله با جانبازان حاضر در این آسایشگاه دیدار و گفت‌وگو کرد.**

حسینی درباره این دیدار به خبرنگار «نسیم» گفت: جانبازان نیازی به ما ندارند بلکه ما نیازمند آنها هستیم. بازیگر فیلم «حوض نقاشی» افزود: من برای اینکه حالم دگرگون شود، احساس می‌کنم باید هرازگاهی به آسایشگاه‌های جانبازان که سرشار از انرژی است، بیایم. وی افزود: شعار نمی‌دهم، چراکه این مراکز لبریز از زیباترین حس‌های الهی است. این بازیگر که در چند روز اخیر نیز به همراه جمعی از بازیگران به دیدار جانبازان آسایشگاه ثارالله رفته بود، افزود: دل من خسته بود. آمدم تا با حضور در این محل دل خود را جلا بدهم. مردم و هنرمندان حداقل برای اینکه به خود کمک کنند باید به این مراکز حتماً سر بزنند. محمود بنفشه‌خواه نیز که به صورت جداگانه به دیدار جانبازان رفته بود، گفت: آشنایی زیادی با آسایشگاه‌های گوناگون دارم، حالا چه آسایشگاه‌های جانبازان عزیز باشد و چه آسایشگاه‌های معلولان و غیره. به اکثر این مرکزها سر می‌زنم، کاری از دست ما بر نمی‌آید جز اینکه به دیدار آنها برویم و برای شفای این عزیزان دست به دعا برداریم.

آسایشگاه جانبازان ثارالله، میزبان جانبازان قطع نخاعی است که جان خود را بر کف نهاده بودند و برای دفاع از ناموس ملت از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. اینان مردانی هستند که از قافله شهدا جا مانده‌اند و در حسرت شهادت، بی‌تابی می‌کنند.

«جوان» از غفلت در یارانه‌های مطبوعاتی گزارش می‌دهد

# نشریات جدایی‌طلب نباید یارانه مبلغان وحدت ملی را بگیرند

**گزارش یک**
**الناز خمامی‌زاده**

**در تمام کشورهای جهان سایه حمایت مالی و معنوی دولت بیش از هر چیز شامل حال آن دسته از نشریاتی می‌شود که در جهت استیلای وحدت و انسجام ملی آن کشور قدم بر می‌دارند اما نگاهی کوچک به لیست تخصیص یارانه مطبوعات استانی شش ماه نخست سال ۹۲ نشان می‌دهد که برخی نشریات قوم‌گرا و بی‌وطن بیشتر از نشریات وطن‌خواه از سایه حمایتی دولت و وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی برخوردار بوده‌اند.**

به گزارش «جوان»، زبان‌کشی، نسل‌کشی فرهنگی و شوونیسم فارس، همه و همه بهانه‌های تکراری گروه‌های تجزیه‌طلب برای چند پاره کردن خاک تمدنی ۸ هزار ساله است؛ گروه‌هایی که هر از گاهی سرنای جدایی‌طلبی سر می‌دهند. برخی نشریات استانی، نقش زبان گویای این گروه‌های تجزیه‌طلب را ایفا می‌کنند. آنها حتی در برخی موارد بر این آتش دامن زده‌اند و ملی‌گرایی و وحدت کلمه را قربانی تعصبات قومی کرده‌اند.

استان آذربایجان غربی هم‌مرز با سه کشور خارجی و محل تلاقی و مراودات فرهنگی است و در حالی که انتظار می‌رود سیاست‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیش از هر چیز متوجه نشریات مروج فرهنگ ملی و انسجام و وحدت ملی گرایانه باشد اما لیست تخصیص یارانه مطبوعات در شش ماه نخست سال ۹۲ نشان می‌دهد که در موردی، هفته نامه استانی «طرح نو» در این استان با ۲۴ شماره در سال و ۱۶ صفحه از دو هفته نامه «آغری» با ۱۱ شماره در سال و ۱۶ صفحه یارانه کمتری دریافت کرده است.

تا کنون نشریات و روزنامه نگاران استانی بسیاری که نگران نفرت‌پراکنی‌های قومی مطبوعات پان‌ترکیستی بودند، درخصوص خطر این قبیل نشریات و تلاششان در جهت متشنج کردن فضای اجتماعی و برجسته کردن رگ تعصبات قومی، گزارش‌های متعددی منتشر کرده‌اند! سایت آذری‌ها در این خصوص نوشته است: «نشریات ایران‌ستیز که دائم از تبعیض و ستم علیه آذربایجان و... دم می‌زنند، در اخذ آگهی‌های دولتی و یارانه مطبوعات پیشرو همه نشریات استانی به شمار می‌روند. لیست یارانه‌های مطبوعاتی سال ۱۳۹۲ مصداق بارز این ادعا است. مقایسه دریافتی بین دو طیف از نشریات وطن‌خواه و بی‌وطن (یعنی طرح نو/آغری و نوید آذربایجان) نشانگر عمق فاجعه است.»

نگاهی به لیست منتشر شده از سوی معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد تا حدودی بر درستی این ادعا صحه می‌گذارد. در لیست تخصیص یارانه مطبوعات استانی در شش ماه نخست سال هفته‌نامه «طرح نو» ۳۴ هزار و ۲۲۳ ریال یارانه دریافت کرده و این در حالی است که میزان یارانه دریافتی دو هفته‌نامه «آغری» در همین مدت مشابه سال ۵۲ هزار و ۲۸۶ ریال بوده است.

این موضوع موجب شده است که برخی رسانه‌ها همچون سایت «آذری‌ها» شائبه مماشات معاونت مطبوعاتی با نشریات بی‌وطن را مطرح کنند و برخی دیگر نیز اعداد و ارقام اعلام شده از سوی معاونت مطبوعاتی را حاصل جمع و تفریق‌ها و محاسبات حساب شده‌ای بدانند که بسیاری از آن بی‌اطلاع هستند. گزینه سومی هم مطرح است و آن بروز اشکال در حساب و کتاب‌ها است.

امید علی مسعودی، کارشناس امور رسانه در این باره به «جوان» می‌گوید: «معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد مبنای تخصیص یارانه و مقدار آن را بر نظم انتشار، تیراژ شمارگان، تعداد صفحات و استانی یا سراسری بودن نشریات قرار داده است. در عین حال مجلات تخصصی دانشگاهی معمولاً از تیراژ و تعداد صفحات کمتری برخوردار هستند ولی انتشار آنها به کرات هزینه‌بر است چراکه بابت مقالات منتشر شده در این نشریات علمی و نگهداری از سایت آنها و سایر امور پول زیادی هزینه می‌شود.»

مسعودی با اظهار بی‌اطلاعی از ملاک‌های ریز معاونت مطبوعاتی در تخصیص یارانه به مطبوعات ادامه می‌دهد: «اقدام معاونت مطبوعاتی برای تعیین شرایط و ضوابط پرداخت یارانه قدم بزرگی است اما قطعاً اشکالاتی دارد که باید مطرح شود و کارشناسانش این اشکالات را برطرف کنند تا در این تخصیص‌ها تبعیضی اتفاق نیفتد.»

مبنای محاسبه مبالغ یارانه مطبوعات، آیین‌نامه نحوه پرداخت یارانه در حوزه نشر و مطبوعات مصوب ۸۸/۸/۱۳ هیئت وزیران و دستورالعمل اجرایی آن است که در ۹۲/۷/۲۹ تصویب و در ۹۲/۸/۸ در سایت معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی منتشر شد؛ دستور العملی نوپا و آیین‌نامه‌ای که معاونت مطبوعاتی خود در توضیح نحوه توزیع یارانه مطبوعات پیشتر اعلام کرده بود که ممکن است به اشکالات احتمالی و ایراداتی دچار باشد اما بتواند با شرح و نقد منتقدان برطرف شود. در این بین حمایت گسترده‌تر از یک نشریه بی‌وطن در مقابل یک نشریه وطن‌خواه را می‌توان به عنوان یک اشکال و ایراد محاسباتی موقتی و زودگذر در یک آیین‌نامه نوپا هضم کرد اما بدون شک مشاهده استمرار این وضعیت در لیست یارانه شش ماه دوم سال دیگر نمی‌تواند صرفاً واژه ایراد و اشکال را با خود حمل کند.

معاونت مطبوعاتی پیشتر اعلام کرده بود که روزنامه‌های تک برگی و با تیراژ بسیار پایین، حیثیت مطبوعات را زیر سؤال می‌برند. این معاونت یکی از نقاط قوت آیین‌نامه تخصیص یارانه مطبوعات را توجه به کیفیت محتوایی به جای محاسبه صرفاً کمّی و تلاشی در جهت ارتقای حرفه‌ای مطبوعات از نظر اعمال استانداردهای حداقلی در مطبوعات کشور عنوان کرده و در عین حال خاطر نشان کرده بود که فرمول نحوه محاسبه یارانه در آیین‌نامه موصوف تابعی از تعداد شماره منتشر شده در شش ماه اول، قطع نشریه، میانگین صفحات، معدل تیراژ و خصوصی یا دولتی بودن نشریات است. بدون شک نشریه‌ای چون هفته‌نامه «طرح نو» چه از نظر کمیت و تیراژ و چه از نظر محتوایی که حامی وحدت و انسجام کشور است بر بسیاری از نشریات منحرف به سوی گرایشات قومی برتری دارد.

به گفته امید علی مسعودی نشریه‌ای که در جهت تحکیم فرهنگ مردم و تقویت آن گام بر می‌دارد، طبیعتاً هزینه‌های بیشتری را صرف می‌کند و باید کمک بیشتری از سوی دولت دریافت کند و در مقابل اگر نشریه‌ای خطا کرده و از هیئت نظارت بر مطبوعات اخطار بگیرد، مستحق کاهش سهم یارانه‌اش خواهد بود.

همچنین به گفته او، تفاوت مبالغ دریافتی دو نشریه مذکور و نیز معیارهای ریز معاونت مطبوعاتی برای تعیین این مبالغ نیز از مواردی است که معاونت مطبوعاتی باید به آن پاسخ بگوید.

در این خصوص تلاش‌های «جوان» برای برقراری تماس با اکبر ملکی، معاون اجرایی مدیر کل مطبوعات داخلی به نتیجه نرسید و مسئول دفتر او دریافت پاسخ مشخص برای سؤال‌هایمان را منوط به نامه‌نگاری‌های اداری و طی فرآیندی دانست که ممکن است یک روز الی یک ماه به طول بینجامد!

در آیین‌نامه تخصیص یارانه مطبوعات تصریح شده است که رفع عیوب، اصلاحات و تکمیل آن به مرور صورت می‌گیرد، کما اینکه کارگروه «اقتصاد مطبوعات» که متشکل از چهره‌های مطبوعاتی است، با دریافت بازخوردهایی از همکاران مطبوعاتی در حال تکمیل این آیین‌نامه هستند. به نظر می‌رسد که یکی از مطالبات اهالی مطبوعات وطن‌خواه نیز رفع فوری برخی اشکالات و در نتیجه برطرف شدن برخی شائبه‌ها باشد؛ نشریاتی که خواهان دریافت کمک‌های حمایتی بیشتر برای تقویت حس وطن‌خواهی در میان شهروندان هستند و دوست ندارند به جای خود و نشریات همسویشان، نشریه‌های قوم‌گرا، افراطی و متعصب را زیر نور افکن حمایتی دولت ببینند. آنها حق دارند؛ یک اصل و یک حق طبیعی است و در نظام جهانی مطبوعات امروزی نیز نشریات مدافع انسجام و وحدت ملی کشورها بیش از سایر نشریات سایه حمایت معنوی دولت‌ها را بالای سرشان احساس می‌کنند.

**گزارش ۲**
**سپیده آماده**

## رقابت کارگردان‌ها برای سریال‌سازی رمضانی

**با توجه به اینکه حدود دو ماه به آغاز ماه رمضان باقی مانده، ماجرای کارگردانانی که قرار است کنداکتور رمضانی امسال رسانه ملی را از آن خود کنند به یکی از مهم‌ترین بحث‌های این روزهای رسانه‌ها بدل شده است.**

به گزارش «جوان»، ۱۱ سال پیش و در رمضان سال ۸۲ رسانه ملی برای اولین بار، سریالی را برای کنداکتور شب‌های رمضان در نظر گرفت که سریال گمگشته نام داشت به کارگردانی رامبد جوان، نویسندگی علیرضا کاظمی‌پور و سعید رحمانی و با بازی آتیلا پسیانی، حدیث فولادوند، آتنه فقیه‌نصیری، پژمان بازغی و فرامرز صدیقی که به آنتن شبکه سوم سیما رفت. سریال در آن سال توانست توجه مخاطبان را به خود جلب کند و آغازگر بدعتی به نام سریال‌سازی رمضانی شود. از آن سال به بعد شبکه سه و پس آن سایر شبکه‌ها قدم در مسیر سریال‌سازی رمضانی گذاشتند. با ورود شبکه‌های مختلف به این عرصه، بازاری برای رقابت میان شبکه‌ای سریال‌های رمضانی به وجود آمد.

از طرف دیگر با افزایش نفوذ سریالی شبکه‌های فارسی زبان در میان مخاطبان ایرانی، در سال‌های گذشته کنداکتور رمضان‌های رسانه ملی، زمانی بود برای اینکه مخاطبان این شبکه‌ها با تصور تکرار خاطره خوش سریال‌های رمضانی سال‌های گذشته، دست از برنامه‌های ترکیه‌ای برداشته و پای سریال‌های صدا و سیما بنشینند و به همین دلیل هم بود که رمضان و پس از آن نوروز، کنداکتور طلایی رسانه ملی نام گرفت. در همین راستا

کارگردانانی که آثارشان در این بازه زمانی به آنتن رسانه ملی می‌رفت هم با امتیاز اقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو می‌شدند و سریال‌هایشان بیش از همه سریال‌هایی که در سایر بازه‌های زمانی به آنتن سیما می‌رفت، با اقبال روبه‌رو می‌شد. در این میان در سال‌های اخیر هم از چند ماه مانده به آغاز ماه رمضان گفت‌وشنودها بر سر کارگردانانی که قرار است برای شب‌های رمضانی سریال بسازند به یکی از بحث‌های داغ رسانه‌ها پیش از ماه رمضان بدل می‌شود و همه چشم‌ها به سمت کارگردانانی جلب می‌شود که قرار است فاتح کنداکتور رمضان باشند.

در همین راستا و براساس آخرین اخبار سیروس مقدم، سامان مقدم و محمود معظمی در تدارک ساخت سریال‌هایی هستند که قرار است ماه رمضان امسال روی آنتن بروند. سیروس مقدم که به تازگی از ساخت سریال پر مخاطب پایتخت ۳ فارغ شده، چند روزی است مشغول ساخت سریال مدینه برای شب‌های رمضانی شبکه یک سیما است. نویسنده سریال سعید نعمت‌الله است و مدینه داستان زنی با همین نام با بازی پریوش نظریه را روایت می‌کند که در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در زندگی دچار مشکلاتی می‌شود و به تنهایی بار سختی‌های زندگی را به دوش می‌کشد. شبنم مقدمی، رضا رویگری، آناهیتا افشار، لیندا کیانی، مریم بوبانی، آتیلا پسیانی، مهدی سلطانی، مهرداد صدیقیان، مجید صالحی و بهزاد فراهانی از دیگر بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. در کنار شبکه یک، شبکه دو سیما هم سریال «مثل من، مثل تو» با عنوان قبلی «فاخته» را برای پخش در ماه رمضان در نظر گرفته است. محمود معظمی کارگردان و علی‌اکبر محلوجیان هم نویسنده این سریال هستند و «مثل من، مثل تو» با بازی ثریا قاسمی، عبدالرضا اکبری، فرخ نعمتی، شهرام عبدلی، نگین معتضدی، کمند امیر سلیمانی و متین ستوده داستان کودک ۹ ساله‌ای است که کم‌کم وارد دنیا بزرگترها می‌شود. شبکه سوم سیما هنوز گزینه رمضانی خود را اعلام نکرده است اما شبکه تهران آنطور که از خبرها بر می‌آید، مجموعه تلویزیونی «سه‌جلد» به کارگردانی سامان مقدم را برای ماه رمضان در نظر گرفته است. سه جلد نوشته پیمان عباسی، داستان سریال روایتی کمدی-اجتماعی از سه طبقه مختلف جامعه است و هنوز فهرست بازیگران آخرین ساخته مقدم مشخص نشده است. با توجه به مدت زمان کوتاهی که به آغاز ماه رمضان باقی مانده است و جایگاه شب‌های رمضان در کنداکتور رسانه ملی و از سوی دیگر مشکلات مالی تلویزیون، باید منتظر ماند و دید سریال‌های رسانه ملی می‌توانند از این فرصت طلایی استفاده بهینه داشته باشند یا نه؟

**نما | حسین کشتکار**

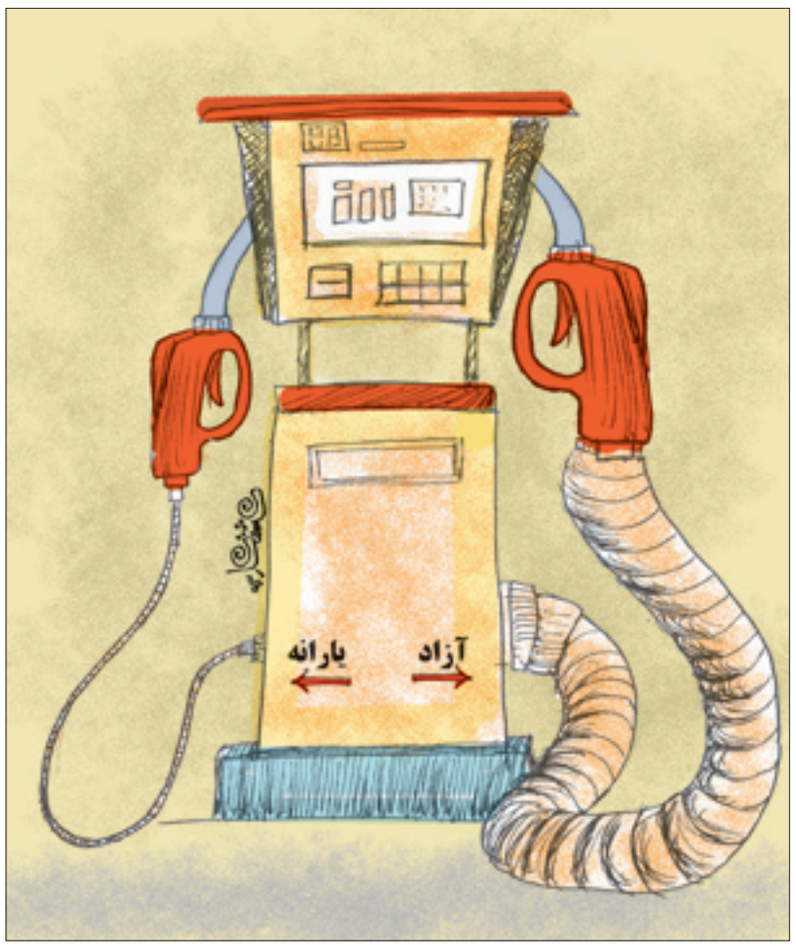


تفاوت فیلمسازی برای مردم و فیلمسازی برای جشنواره‌های غربی!

## مردم ده‌نمکی را با فیلم‌هایش به خاطر می‌سپارند و جعفر پناهی را با ژست‌هایش!

**دیدگاه**
**اشرف‌السادات موسوی**

**چه بخواهیم چه نه، مسعود ده‌نمکی به یک برند در سینمای ایران بدل شده! درست شبیه به مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی و حتی بهرام بیضایی! همان طور که حتی منتقدان افراطی کارهای اخیر کیمیایی هم با اکران هر کدام از فیلم‌های وی برای دیدن آن تمایل نشان می‌دهند و تازه‌ترین آثار نوشتاری بیضایی طیف قابل ملاحظه‌ای از علاقه‌مندان را به خود جلب می‌کند، آثار تصویری مسعوده ده‌نمکی هم فارغ از ژانر و نوع مدیوم با اقبال عمومی مواجه می‌شوند.**

ما می‌توانیم فیلم‌های ده‌نمکی را دوست داشته باشیم یا نه، می‌توانیم با افکار سیاسی او موافق باشیم یا نه، می‌توانیم از شیوه‌های سخن گفتن او در رسانه‌ها خوشمان بیاید یا نه، اما نمی‌توانیم برندسازی او در روزگار تازه را نادیده بگیریم. ده‌نمکی این توانایی را دارد که به واسطه فیلم‌هایش مخاطبان را به سینماها بکشاند و حتی فصل مرده اکران انتهای جشنواره تا آغاز سال را نیز با فیلمی مثل «معراجی‌ها» به فصلی پررونق بدل کند. تعارف که نداریم فکر می‌کنید اگر به جای «اخراجی‌ها» حتی فیلمی مثل «جدایی...» در چنان بازه زمانی روی پرده می‌رفت تا این حد مخاطب می‌داشت؟ تجربه می‌گوید نه! آیا فقط و فقط اینکه او به لحاظ خط سیاسی مقابل ما قرار دارد این مجوز را به ما می‌دهد که هر طور که دلمان می‌خواهد او را نوازش کنیم؟ آیا اینکه ده‌نمکی ادا و اطوار روشنفکرانه ندارد و حرفش را صریح و بی‌پرده می‌زند نه با اشارات سمبلیک، یعنی اینکه باید او را نواخت؟

جالب است که اصلی‌ترین عامل برای کوبیدن ده‌نمکی این است که او به لحاظ تکنیکی سینما را نمی‌شناسد و فیلم‌هایش فقط و فقط پر شده از جوک‌های اس. ام.اسی و سخنرانی‌های سیاسی! اما کسی نیست بگوید چطور است که مردم برای تماشای این سخنرانی‌ها سر و دست می‌شکنند اما برای تماشای دهها و صدها آثار شبه‌روشنفکرانه از آدم‌هایی که به زعم خود سینما را خوب می‌شناسند، علاقه‌ای نشان نمی‌دهند؟

پاسخ سؤال ساده است؛ ده‌نمکی از کف اجتماع آمده و چه زمانی که روزنامه‌نگاری می‌کرد و چه بعد فیلمسازی، سعی می‌کرده با زبان همین کف روزنامه دربیاورد و فیلم بسازد. طبیعی است که وقتی شما زبان مخاطب را می‌شناسی، می‌دانی چه چیزی را در فیلمت قرار دهی که او خوشش آید! اما او که آروغ‌های غربیون را زمینه‌ای می‌کند برای ساخت اثر سینمایی بلکه فیلمش در یکی از بخش‌های جنبی جشنواره ونیز به نمایش درآید، طبیعی است که نمی‌تواند مخاطب داخلی را همراه خود داشته باشد. چرا جعفر پناهی را نه با فیلم‌هایش که با اظهارنظرات سیاسی‌اش به خاطر می‌آوریم؟ ده‌نمکی یک برند سینمایی شده و آثارش حتی برای پرطمطراق‌ترین نام‌های عرصه سینما حس کنجکاوی را برمی‌انگیزد و این پتانسیلی است که باید از آن استفاده کرد تا سینمای ایران به لحاظ تجاری از وابستگی دولتی ولو در حد ۱۰ درصد هم که شده، دست شوید! پس به جای آنکه مرتب بگویید او زبان سینما را نمی‌شناسد و باید برود به دنبال آموختن تکنیک، به رفقایی مانند جعفر پناهی، عباس کیارستمی و بهمن قبادی‌تان بگویید اگر می‌توانند فیلمی بسازند که فقط یک دهم فیلم آخر ده‌نمکی فروش داشته باشد.

مگر نه اینکه آنها وجه تکنیکی هنر سینما را می‌شناسند پس چرا نمی‌توانند آثاری نه با فروش عالی که با فروش متوسط بسازند. انصافاً همان فیلم «شیرین» کیارستمی که سه سال قبل در تهران اکران شد، چقدر فروش داشت؟ یا اگر اظهارنظرات سیاسی جعفر پناهی را کنار بگذاریم، کسی او را با یک شات از فیلم‌هایش به خاطر می‌آورد؟ طبیعی است که حتی اگر نسخه بدون سانسور فیلم آخر کیارستمی یعنی «مثل یک عاشق» را با سرگروه در تهران اکران کنیم، فروشش بعد از یک ماه به زحمت به نیم میلیارد می‌رسد. می‌دانید چرا؟ چون فیلمی که او ساخته نه برای مخاطب ایرانی که برای جلب توجه بخشی معدود از مخاطبانی است که سیاست‌های جشنواره‌هایی مثل کن را بنیان می‌نهند. اگر جز این بود لااقل یکی از فیلم‌های ایشان اکران جهانی مقبولی می‌داشت؟ شاید در ایران امکان پخش بی‌سانسور فیلم‌های ایشان و امثالهم نباشد اما چرا در آن سوی آب‌ها کسی برای تماشای این آثار توجه نشان نمی‌دهد؟

جالب است که کارشناسان شبه‌روشنفکر ما نیز هیچ گاه نمی‌پرسند چرا کیارستمی نمی‌تواند فیلمی بسازد که مخاطبان داخلی برای تماشایش شتاب کنند یا چرا جعفر پناهی به جای اظهارنظرات سیاسی بیهوده، فیلمی نمی‌سازد که مخاطبان را جلب کند اما مدام می‌پرسند که چرا ده‌نمکی فیلم می‌سازد و چرا ده‌نمکی زبان سینما را نیاموخته و چرا ده‌نمکی در فیلم‌هایش از جوک استفاده می‌کند؟

## امام موسی صدر با «مردی برای همیشه» به تئاتر می‌آید

**تئاتر**

**شهرام کرمی از پایان نگارش نمایشنامه «مردی برای همیشه» با موضوع زندگینامه «امام موسی صدر» خبر داد و گفت: امیدوارم امسال توسط حوزه هنری به چاپ برسد. جدا از آن هم جزو برنامه‌هایم است تا این نمایش را به اجرای عمومی بگذارم.**

به گزارش «فارس»، شهرام کرمی نویسنده و کارگردان تئاتر اظهار داشت: نگارش نمایشنامه «مردی برای همیشه» با موضوع زندگینامه امام موسی صدر در پایان سال گذشته به پایان رسید و تجربه بسیار خوبی برای من بود. امیدوارم امسال توسط حوزه هنری به چاپ برسد. جدا از آن هم جزو برنامه‌هایم است تا این نمایش را به اجرای عمومی بگذارم. وی در ادامه در خصوص تکلیف اجرای نمایش «مدریک» نیز گفت: منتظر هستم تا تئاتر شهر در مورد این نمایش در شش ماهه دوم سال نوبت اجرا بدهد. کارگردان نمایش «پوتین‌های عمو بابا» تصریح کرد: همچنین قرار است نمایش «خانه خورشید» را در کانون پرورش فکری به صحنه ببریم. این نمایش یک موضوع شاعرانه دارد و داستان مرغ دریایی فلجی است که همیشه حسرت پرواز دارد. این نمایشنامه هشت سال پیش چاپ شد و خوشبختانه در کانون به تصویب رسید.

**یادداشت**
**هادی عسگری**

## مرثیه‌ای شرقی برای یک عاشق غربی

حسین شهیدی فوت شد، این خبر را چند روز پیش هم خوانده بودم. اما یادداشت بلندی که در صفحه اول یکی از روزنامه‌ها درباره این روزنامه‌نگار مرحوم نوشته شده بود، توجهم را جلب کرد. نام شهیدی را خیلی شنیده بودم؛ روزنامه نگاری که مدت‌ها بود در خارج از کشور سکونت داشت و بیشتر از اینکه روزنامه‌نگاری ایرانی به حساب بیاید به دلیل همکاری مستمرش با BBC یک روزنامه‌نگار غربی محسوب می‌شد که به خبرنگاران این شبکه درس روزنامه‌نگاری می‌داد.

شهیدی مانند معادلات روی کاغذ هیچ چیزی برای یک روزنامه‌نگار تمام عیار بودن، کم نداشت؛ تنها تفاوتش آن بود که قلمش را برای غیر می‌چرخاند. اصطلاح نچندان خوشایند «مزدور قلم به دست» حتی اگر در ظاهر باعث رنجش دوستان شهیدی شود اما در عمل آنچه شهیدی و سایر همکارانش انجام می‌دادند، همین بوده است. چه کسی است که نداند BBC چه سیاست‌هایی را دنبال می‌کند؟!

شبکه‌ای که می‌گویند حتی رمز کودتای ۲۸ مرداد را از لندن مخابره می‌کند و باعث سقوط دولت مصدق می‌شود و با رفتارهای دوگانه‌اش تلاش خستگی‌ناپذیری را برای سیاه جلوه دادن اوضاع داخلی ایران به نمایش می‌گذارد، آن وقت شهیدی مهم‌ترین افتخار زندگی‌اش همکاری با این شبکه است.

بنگاه خبرپراکنی رژیم سلطنتی انگلستان سال‌ها مأمنی برای شهیدی و همکارانش می‌شود که در آن، گزارش‌هایی در مورد کشورشان بنویسند که باب میل انگلیسی‌ها باشد. نمی‌توان در اینجا گفت که شهیدی هم به سهم خود در تمام گزارش‌ها، یادداشت‌ها و تحلیل‌های منتشر شده علیه جمهوری اسلامی مشارکت داشته است؟!

حالا هم انتظار زیادی نیست اگر BBC برای از دست دادن شهیدی بنای گریه و زاری بگذارد و در ایران نیز کسانی که خود را همسو با سیاست‌های این شبکه بدانند بیرق سیاه عزا بلند کنند. یادداشت روز گذشته یکی از روزنامه‌های صبح همین رنگ و بو را داشت. چه بگوییم آن مطلب تنها مرثیه‌ای برای رفیقی قدیمی است یا پاسداشتی برای روزنامه‌نگاری که سال‌ها علیه منافع ملت خود قلم رقصانی می‌کرد.

هرچه بود تجلیلی بود از روزنامه‌نگاری که عمر خود را وقف BBC کرد و برعکس بسیاری از اساتید روزنامه‌نگاری که در داخل کشور فعالیت می‌کنند، میراثی برای روزنامه‌نگاران جوان ایرانی باقی نگذاشت؛ شاید تنها یک نام، آن هم در میان برگ‌های قطور تاریخ مطبوعات ایران.

**سینما**

رئیس سازمان سینمایی خبر داد

## طرح سراسری سینماکارت در آستانه اجرایی شدن

**رئیس سازمان سینمایی که به عنوان مهمان در جلسه شورای صنفی اکران حضور یافته بود، از قطعی شدن اجرای طرح «سینما کارت» در روزهای آینده خبر داد.**

به گزارش «جوان»، حجت‌الله ایوبی در آغاز با ابراز خشنودی از روند مثبتی که در فروش سالن‌های سینما ایجاد شده گفت: تصمیمات بعدی ما کمک به ادامه این موج مثبت خواهد بود.

بنا بر این گزارش، رئیس سازمان سینمایی با اعلام قطعی شدن اجرای طرح سینما کارت از جزئیات این طرح پرده برداشت.

بر اساس اعلام معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این طرح که با مشارکت هیئت‌های عامل بانک‌ها انجام خواهد گرفت، تمامی سینماهای کشور به دستگاه کارتخوان مجهز می‌شوند.

وی اشاره کرد: کارت‌های سینما به دو صورت با «نام» برای کارکنان ادارات و اشخاص حقیقی و با قابلیت شارژ شدن ارائه می‌شود و بی‌نام به صورت کارت‌های هدیه در اختیار متقاضیان قرار خواهد گرفت و در نخستین فاز اجرایی این پروژه، کارت‌های سینما بین کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توزیع خواهد شد.

بنا به اظهارات رئیس سازمان سینمایی، در اجرای این طرح که با مشارکت سازمان سینمایی، بانک‌ها، تهیه‌کنندگان و سینماداران اجرایی می‌شود، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلفی برای همکاری در اجرای این طرح ابراز تمایل کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود با استقبال مردم منافعی بسیار مطلوب نصیب سینمای ایران خواهد شد. ایوبی در پایان سخنانش و پیش از ترک جلسه شورای صنفی، ضمن سپاس مجدد از اعضای شورا، حمایت سازمان سینمایی در اجرای طرح سینما و خانواده را که در تابستان سال جاری و در دو سانس اول سینماها به صورت نیم‌بها برای خانواده‌ها اجرا می‌شود، اعلام کرد.

محمد احسانی، معاون آثار و فعالیت‌های سینمایی در این دیدار ایوبی را همراهی کرد. در جلسه روز گذشته شورای اکران و نمایش غلامرضا فرجی، مرتضی شایسته، ابوالحسن داوودی، مجید قاری‌زاده، محمدرضا فرجی، محمدرضا صابری و محمد قاصد اشرفی شرکت داشتند.